

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیستم
شماره ۲۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۸ آوریل ۲۰۱۹

تحریم اقتصادی؛ زبان گلوله استعمار در قرن بیست و یکم

حزب کار ایران (توفان) نقطه نظر خود را در مورد سیاست تحریمهای اقتصادی امپریالیستی بر ضد سایر ممالک جامعه بینالملل از همان روز نخست بیان داشته و تا به امروز نیز این سیاست را مورد تأیید قرار می‌دهد. سیر رویدادها در جهان صحت نظریات حزب کار ایران (توفان) را تأیید می‌کند. تحریم اقتصادی یک کشور آنهم با نقض منشور ملل متحد؛ مفهوم دیگری جز نقض حقوق ملل ندارد. نمی‌شود با نقض حقوق ملل به مخالفت برخاست، ولی سیاست ارتجاعی و فلدرمنشانه تحریم را "مثبت"؛ "انقلابی" و "منادی سوسیالیسم" برای ایران ارزیابی کرد. ملت‌های جهان صرفنظر از خرد و کلان؛ مسلمان و مسیحی؛ هندو و بودائی و...؛ صرفنظر از توان اقتصادی؛ نفوذ سیاسی و قدرت نظامی؛ همگی دارای حقوق مساوی بوده و باید از احترام متقابل برخوردار باشند. با زبان تهدید و دشنام نمی‌شود به ملت‌های جهان حمله نموده، و آنها را تحقیر کرده و با روش فاشیستی و ددمنشانه؛ وضعیت ویژه‌ای برای خود آفرید. احترام به حقوق ملت‌ها اعتقاد به اصل دموکراسی است. حقوق دموکراتیک همه ملت‌های جهان از وزن و ارزش مساوی برخوردار است. جمهوری جیبوتی و یا جمهوری دومینیکن همان قدر حق و حقوق... ادامه در صفحه ۲

شکست داعش در سوریه پایان تروریسم امپریالیستی نیست

لانه تروریستها ممالک امپریالیستی و یا همدستان منطقه‌ای آنها است. تروریسم که به اقدامات خرابکارانه؛ قتل؛ تجاوز؛ تبهکاری ضد بشری و... دست می‌زند ماهیتا ضد مردمی بوده و هیچگاه دارای پایه توده‌ای نخواهد بود. توده‌ها از تروریسم متنفرند. به این جهت تروریسم همواره موجودی بیگانه؛ منفرد و منزوی است.

در قرن بیست و یکم تروریسم به صورت ابزاری سازمانیافته و تعلیم دیده از جانب امپریالیسم علم شده است که برای اعمال تبهکاری‌های خویش که مورد نظر امپریالیسم می‌باشد و در متن سیاست راهبردی آنها جریان دارد، هم مستمری از جانب آنها دریافت می‌کند و هم تا خرخره اسلحه از طرف این کشورها؛ شرکتها و یا "علاقمدان" خرپول که بیشتر نقش پوششی دارند، به کف می‌آورد. جریانهای تروریستی چنانچه از این حمایت سخاوتمندانه ارتجاعی جهانی برخوردار نباشند، هرگز امکان بقاء ندارند. خاصیت بسیج لشکر تروریستی در این است که آنها اجیر قدرتهای بزرگ هستند و هر کجا این قدرتها صلاح بدانند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

این افراد به ارتش منظم و یا هویت ملی معینی وابسته نیستند. پیروزی و یا شکست آنها احساسات ملی کشوری را جریحه‌دار نمی‌کند. چون محل اقامت دائمی نداشته و مرتب در حال سفرند از جانب قوه قضائیه مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند. آنها در جنگ منظم شرکت نمی‌کنند در جنگهای نامتقارن دوره می‌بینند و با اشغال شهرها؛ کشتار بی‌حساب و ایجاد رعب و وحشت با ابعاد گسترده‌ی تبهکاری و جنایت؛ فضائی مسموم و هولناک ایجاد می‌کنند تا بتوانند در متزلزل کردن حکومت‌های نامطلوب امپریالیستی موفق شوند. تروریسم کور جنایتکار ستون پنجم ارتش منظم امپریالیستی است. آنها به عنوان پیشقراول تخریب و خوف وارد میدان شده و سپس جای خود را به سربازان منظم دشمنان بشریت می‌دهند. بهترین نمونه این آدمکشان حرفه‌ای داعش است. این دارو دسته که مثنی تبهکار از ده‌ها ملیت گوناگون آسیائی؛ اروپائی؛ آفریقائی هستند از اقصی نقاط جهان به آیبی و سوریه گسیل شده‌اند و حتی گروه‌های

...ادامه در صفحه ۳

دیدار رئیس جمهور کره شمالی با ترامپ

نگاهی تاریخی به تحولات کشور کره

کشور کره در زمان جنگ جهانی دوم در اشغال امپریالیسم ژاپن قرار داشت و مستعمره این کشور بود. وقتی شعله‌های جنگ جهانی دوم زبانه کشید و روحیه ملی در تمام ممالک جهان برضد قوای اشغالگر افزایش یافت، در بسیاری از ممالک آسیائی نیز جنبش ضد استعماری قدرتمند شد. مبارزه مردم هندوچین از جمله ویتنام علیه اشغال ژاپن؛ استعمار فرانسه و سپس استعمار آمریکا؛ مبارزه مردم اندونزی برضد استعمار هلند؛ از نمونه‌هایی از این مبارزات بودند. در کشور کره نیز حزب کمونیست کره به رهبری کیم ایل سونگ رهبری مبارزات ضد استعماری را به کف گرفت و بر ضد استعمار ژاپن به مبارزه پرداخت. ارتش آزادیبخش کشور کره پس از شکست ژاپن خاک کره را از دست استعمار ژاپن؛ بعد از ۳۵ سال آزاد ساخت. آمریکا که حضور نظامی مهمی در اقیانوس آرام پیدا کرده بود و با پرتاب بمب اتمی قدرت نظامی خود را به نمایش گذارد، تحمل آزادی و استقلال کره را نداشت و به کشور آزاد شده کره حمله کرد و استقلال نوی این کشور را در هم شکست. آمریکا همان عمال خودفروخته کره‌ای را که نمایندگان استعمار ژاپن در گذشته بودند، مجددا بر سر کار آورد تا با سرکوب از نفوذ کمونیستها جلوگیری نماید. آنها از آمریکا فردی به نام "سینگمان ری" که یک کره‌ای تبار آمریکائی بود و نمی‌توانست به زبان کره‌ای به درستی تکلم کند را بر سر کار آوردند و با برقراری دیکتاتوری سیاه و تبهکارانه به کشتار جمعی مردم کره در مناطق اشغالی جنوب کره دست زدند و با برتری عظیم نظامی خویش نیروهای ارتش آزادیبخش کره را به عقب‌نشینی واداشتند. آمریکا توانسته بود با دسیسه در سازمان ملل متحد در غیاب نماینده شوروی که در اعتراض به حضور نماینده جزیره فرمز(تایوان کنونی) به‌عنوان نماینده "واقعی" مردم کشور چین در شورای امنیت، از حضور در نشست خودداری کرده بود، قطعنامه‌ای را برای تجاوز به کره در شورای امنیت به تصویب برساند تا راه را برای تجاوز و جمع‌آوری متحد برای حمله به کشور کره تحت یک "ائتلاف" بین‌المللی باز کند. با شرکت داوطلبان چینی در جنگ کره که به مقابله با تجاوز امپریالیسم پرداختند و مفهوم همبستگی انترناسیونالیستی را نشان دادند، نیروهای آمریکا ناچار شدند در مدار ۳۸ درجه به آتش‌بس تن در دهند. در این مذاکرات از جمله نمایندگان سازمان ملل؛ آمریکا؛ دولت چین و... شرکت داشتند و از شرکت نماینده کشور مو هومی بنام کره جنوبی که بعدا ساختند خبری نبود. مردم کره همگی

...ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

تحریم اقتصادی؛ زبان گلوله...

دارند و باید از مزایای دموکراسی در جهان برخوردار شوند که کشور آمریکا؛ آلمان؛ فرانسه و یا بریتانیا.

کمونیستها همیشه از تساوی حقوق بین ملل حمایت کرده‌اند و می‌کنند. به زیر پرسش بردن این اصل در درجه نخست خود ناقضان ضعیف این اصل را قربانی خواهد کرد.

مثالی بزنیم: اگر تجاوز به عراق و لیبی نقض حقوق بشر؛ نقض حقوق ملل و نقض دموکراسی بطور کلی است، آنوقت نمی‌شود چون این تجاوز به دست امپریالیسم غرب و در راس آنها آمریکا صورت گرفته و برای برخی از عناصر متوهم؛ دارای منافع آنی است، برای ما قابل

پذیرش گردد و مالا برای این کشورها حقوق ویژه قابل شویم. اگر در این عرصه سکوت کنیم و یا منافع کوتاه‌بینانه لحظه‌ای را تاج سر خود

گردانیم و اصول پذیرفته و تجربه شده جهانی را به سخره بگیریم، روزی که این ستر در خانه ما خوابید، دیگر کسی نیست به ما یادآوری کند که خود ما همدست تجاوزکاران در نقض حقوق

دموکراتیک و شکستن حرمت این دستاورد در گذشته بوده‌ایم. به سرنوشت غم‌انگیز کردهای ناسیونال شونیست عراق نظر افکنید. آنها با محاصره اقتصادی عراق و نابودی یک میلیون

کودک عرب عراقی موافق بودند و از تجاوز امپریالیسم آمریکا و متحدانش به عراق حمایت کردند و می‌کنند، به این امید واهی که از این

نمد به آنها نیز کلاه بی‌برسد. آنها امروز به پایگاه صهیونیسم در منطقه بدل شده‌اند. اینکه این تجاوز نقض حقوق بشر و ملل بود، برای

آنها کوچکترین اهمیتی نداشت، زیرا سفیهانه فکر می‌کردند، فقط گلیم ناسیونال شونیسم ارتجاعی گردد از آب بیرون می‌کشند. و حالا

خود آنها شاهد آن هستند که دولت متجاوز ترکیه به سوریه تجاوز می‌کند و حقوق بشر و ملل را به زیر پا می‌گذارد تا خدمت ناسیونال

شونیست‌های گرد که در تضاد با پان‌عثمانیسم و پان‌ترکیسم قرار گرفته‌اند، برسد. آنها امروز ناچارند تجاوز ترکیه به سوریه را محکوم کنند

و خود را هوادار حقوق ملل جا بزنند. فقدان اصولیت و نان را به نرخ روز خوردن در سیاست؛ فاجعه بیار می‌آورد. هر کشور و فرد

دموکراتی باید هرگونه تجاوز ضد بشری را صرفنظر از اینکه متجاوز کیست محکوم کند. حتی به بهانه دارا بودن نیات "مترقی" نیر نمی-

شود، حقوق دموکراتیک ملتها را زیر پا گذارد. بزرگان مارکسیسم به این جهت تازاندن انقلاب سوسیالیستی را به کشورهای دیگر محکوم می-

کنند، زیرا این "نیت خوب" از بطن خود جامعه و نیاز رشد آن بیرون نیامده و اقدامی تحریک-آمیز و مکانیکی است. تجاوز به کشورها و

نقض حقوق ملتها را به هیچوجه نمی‌شود با مترقی بودن رهبران کشور و یا ارتجاعی بودن سران حکومت توجیه کرد. کسانی که مدافع تجاوز به کشور مفروضی هستند، با این ادعا که گویا در آن کشور حکومت مستبدی بر سر کار بوده و حقوق بشر را نقض می‌کند، خود با

نقض حقوق دموکراتیک و نقض اصولی حقوق ملل همواره در کنار ارتجاع امپریالیسم و استعمار قرار دارند و باید خیلی خوشبایور باشیم که ببینیم آنها فقط گمراهند و همدست امپریالیسم و استعمار نبوده و نیستند. به بهانه سرکوب سران ارتجاعی یک کشور مفروض نمی‌شود حرمت دموکراسی و حقوق ملل را نابود کرد. این نوع تبلیغ و درک معیوب از دموکراسی راه را برای قلدری و تولد پلیس بین-الملل باز می‌کند. عفربیتی زاده می‌شود که با انحصار تفسیر دموکراسی و حقوق بشر؛ ملتها را به زیر عرایه جنایات خویش خواهد گرفت. امپریالیسم آمریکا اکنون این نقش را ایفاء می-کند.

این روش امپریالیسم آمریکا و به تبعیت وی امپریالیستهای اروپائی؛ یادآور دوران قرون وسطی و عهد باستان است که سرداران لشکر برای فتح دژها و باروهای "دشمن" به محاصره

شهرها پرداخته و امکان رساندن آب و آذوقه را به مردم می‌بستند تا آنها در محاصره؛ در اثر بی‌غذائی و بی‌دوائی از پای درآیند و از روی

ناچاری در و دروازه شهر را به روی قوای مهاجم بگشایند. آنوقت قتل عام گرسنگان؛ تازه آغاز می‌گشت. تمام دوران جنگهای صلیبی در محاصره اورشلیم حاکی از این قانون زور بوده

است. امپریالیسم در قرن بیست و یکم از همان وسیله فشار و تهدید برای پیشبرد مقاصد خودش استفاده می‌جوید. اگر این روش امپریالیستی؛

مکتب آموزشی برای همه گردد و چنانچه کارزاری برای مبارزه با این شانتاز جهانی صورت نگیرد، نه تنها شالوده جامعه بین‌الملل

برهم می‌ریزد بلکه خطر جنگ نیز افزایش یافته و جهان را تهدید می‌کند.

شما از این یاران امپریالیسم می‌شنوید که آمریکا حق دارد ایران را محاصره اقتصادی نموده و تعیین کند چه ملتی در جهان حق حیات داشته و چه ملتی از این حق برخوردار نیست.

بزع آنها آمریکا بالاترین مرجع صالحه و "ولی‌فقیه" در جهان است که باید در مقابل تصمیمات و اراده وی همه مردم جهان سجده

کنند. اگر ترامپ می‌گوید: (آمریکا اول)، ما هم باید با وی هماهنگ شویم و گفتار ترامپ را تأیید نماییم. اگر روسای جمهور آمریکا اموال

ایران را مصادره کرده و به ضد انقلاب و شرکتها و اتباع آمریکائی بذل و بخشش می‌کنند و یا تا حدی پیش می‌روند که با آسمان و

ریسمان بافی خسارت وارده به سربازان تجاوزکار آمریکائی به لبنان را غیر مستقیم کار ایران دانسته و اموال ایران را در آمریکا توقیف

کرده و تاراج می‌کنند، از نظر نوکران ایرانی و همدستان امپریالیسم کاملاً موجه و قابل تأیید است. اینکه این عمل غیرقانونی است برای آنها

مطرح نیست برای آنها تنها دشمنی با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مطرح است. توگوئی ضبط اموال مردم ایران در آمریکا به مصرف تحقق حقوق بشر در ایران و یا بقای ایران می‌رسد. این تأیید؛ تأیید اصل "ولایت

فقیه" نوع آمریکائی است. تکیه کلام این خائنین این است که: شما می‌خواهید این پولها به جمهوری اسلامی داده شود تا بیشتر بر سر کار بماند و مردم را سرکوب کند؟ روش این خودفروخته‌ها که شرافت خویش را نیز فروخته‌اند؛ ارباب است. طبیعتاً حزب ما به استدلال مقابله به مثل که البته نادرست هم نیست متوسل نمی‌شود و نمی‌گوید که شما خائنان با امپریالیسم همدستی می‌کنید تا منافع کشور ایران را نابود نمائید. استدلال ما این است که در عرصه مراودات جهانی نه خرید و فروش و نه مبادلات بانکی و سرمایه‌گذاری بر اساس ماهیت انقلابی و یا ارتجاعی انجام نمی‌شود.

هیچ بانک و یا موسسه مالی جهانی محق نیست از پرداخت حقوق شما به علت ناخوش‌آیندی افکارتان خودداری کند. در آن صورت نظام

بانکی و مبادلات جهانی برهم می‌خورد و خودسری و راهزنی جای آنرا می‌گیرد. در آن صورت هرج و مرج؛ خودسری؛ توحش و

قانون جنگل در جهان حاکم می‌گردد. در اینجا منافع همگانی و جهانی‌عالیتری وجود دارد که سایر مسایل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تازه

کجاست آن "مرجع بی‌طرف" جهانی که بتواند بیطرفانه در مورد ماهیت تفکر شما تصمیم بگیرد و این تصمیم مورد تأیید همگان باشد. این

ایرانی‌های خود فروخته که با محاصره اقتصادی ایران موافقت نمی‌توانند با محاصره اقتصادی کوبا؛ عراق؛ لیبی؛ نیکاراگوئه؛

ونزوئلا و... موافق نباشند. اگر می‌شود اموال ایران را با قلدری و بهانه ارتجاعی بودن سران حکومت ایران بالا کشید و حق کشور ایران را

ضایع کرد، چرا نباید اموال معمر قذافی را در بانکهای فرانسه؛ ایتالیا؛ آلمان؛ سوئیس و یا آمریکا بالا کشید؟ چرا نمی‌شود حقوق کشور

ونزوئلا را در بانکهای آمریکا بالا کشید و اموال دولت ونزوئلا را مصادره کرد؟ استدلالی که گویا حکومت کوبا؛ نیکاراگوئه و یا ونزوئلا

انقلابی هستند، طبیعتاً در این بحث خریداری ندارد، زیرا این حق عملاً به امپریالیسم آمریکا

تفویض شده است که راساً در مورد ماهیت کشورها تصمیم بگیرد. بهانه دشمنی با

جمهوری اسلامی تا اموال ایران را به کام آمریکا شیرین گرداند، حال به یک معضل جهانی بدل شده است. کنگره آمریکا قانونی می-

گذراند و با زور تهدید و فشار می‌طلبید؛ همه کشورهای جهان باید به این مصوبه کنگره آمریکا که امر داخلی این کشور است، گردن

نهند. آمریکا به صورت ضد دموکراتیک؛ خود را به نوعی حکومت جهانی بدل کرده است که قوای مقننه؛ قضائیه و مجریه جهان را در دست دارد و ناظر اجرای آنها در سراسر جهان نیز

گشته است. آمریکا به دولت چین اخطار می‌دهد که حق ندارد با ایران معاملات تجاری داشته باشد و بی‌توجهی دولت چین به این اخطار را با دستگیری یکی از مقامات ارشد مالی چین در کانادا (خانم مانژو منگ مدیر مالی شرکت جهانی فناوری هوآوی Huawei) پاسخ می‌دهد.

تحریم اقتصادی؛ زبان گلوله...

مینگ این است که گویا یکی از شرکتهای تابعه هوآوی به نام اسکای کام از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ تحریمهای ایران را دور زده است. ترامپ شرکتهای اروپایی را تهدید می کند که همه به ساز آمریکا برفقصد و از مبادلات تجاری با ایران خودداری کنند در غیر این صورت آنها را مطابق قانون آمریکا محاکمه کرده و مجبور به پرداخت خسارت می کند. کاخ سفید بارها به شرکت های اروپایی که در ایران مشغول به کار هستند، هشدار داده که در صورت دور زدن تحریم های آمریکا "به شدت تنبیه و مجازات" خواهند شد.

طبیعتاً تمکین شرکتها و دول اروپایی به آمریکا به مورد ایران خلاصه نمی شود و همه ممالک را در بر می گیرد. اروپایی ها برای سرگرم کردن ایران و مهار وی از سازوکاری صحبت می کنند که راه مبادله تجاری با ایران را هموار می کند، گذشته از اینکه این امر دروغ محض

است و اجرای آن موکول به برآوردن خواسته های آمریکا و اسرائیل شده است، خود این اقدام مورد هجوم ترامپ قرار گرفته و آب پاکی را روی دستان اروپایی ها ریخته است. اختلاف اروپا با آمریکا ماهیتاً یک امر حقوقی نیست که با اختراع یک "سازوکار حقوقی" به این اختلاف پایان دهید. اختلاف سیاسی است و ترامپ هم با اشاره به این امر هشدار داده است که اروپا هر روشی را که اتخاذ کند نباید به ایران امکان دهد که محاصره اقتصادی را دور ببرد. به این جهت اروپای همدست آمریکا خود شتری را می بیند که قصد دارد در خانه آنها نیز اطراق کند. سفیر آمریکا در برلن؛ آقای ریچارد گرئل Richard Grenell در نامه ای که به شرکتهای مشغول در پروژه انتقال گاز از روسیه به اروپا از طریق لوله انتقال گاز دریای شمال ارسال کرده است، آنها را تهدید کرده که با مجازات آمریکا حساب کنند زیرا دولت آمریکا مخالف انجام این پروژه بوده و تمایل دارد که گاز خود را (این گاز سی درصد گران تر از گاز روسیه است-توفان) در اروپا به فروش برساند. حال اروپا با وضعیتی جدیدی روبروست. ماهیت منازعه با ایران بر سر رهبری جهان و دیکته کردن اوامر آمریکاست. این یک سیاست نوین راهبردی است که عملاً استعمار نوینی را در جهان تبلیغ می کند. مدافعان تحریم کشورها با هر نقابی که ظاهر شوند همدستان امپریالیسم آمریکا هستند. از این خودفروخته ها بپرسید آمریکا چه موقع و به چه نوع حکومتی در ایران مجاز است اموال مصادره شده را پس دهد. این خودفروخته ها نتوانند تا نوع حکومتی را که شایسته دریافت اموالش در ایران است بر زبان آورند، زیرا روشن است که این حکومت باید دست نشانده آمریکا باشد. سخنان تهدید آمیز این عده تنها برای آن است که آمریکا اموال مردم ایران را برای همیشه تناول کند. ایرانیانی که از گرسنگی دادن به مردم ایران و غارت ثروتهای

این کشور پشتیبانی می کنند و به بهانه های "انقلابی"؛ مزدور ارتجاع جهانی شده اند، به زودی خود قربانیان این نوع تبلیغ خواهند بود. کار به جایی رسیده است که حتی اردشیر زاهدی یکی از عوامل کودتای ۲۸ مرداد نیز این زروگوئیها را محکوم کرده است. نوکران "انقلابی" آمریکا در بن بست گیر کرده اند که نمی توانند برای حفظ "چهره" خود و به روش سنتی خودشان؛ وی را همدست جمهوری اسلامی قلمداد کنند. فقدان اصولیت وضعیت آنها را بسیار وخیم کرده و از این بعد نیز وخیمتر خواهد کرد. مردم ایران هرگز نام این جاسوسان کثیف و عمال امپریالیسم و صهیونیسم و عربستان سعودی را فراموش نمی کنند. این نوع برخورد به منافع کشور ایران که ربطی به حاکمیت ارتجاعی؛ فاسد و تبهکار آن ندارد، فقط موجبات توجیه بقای این حکومت را فراهم می آورد و مردم را به گمراه می کشاند.

شکست داعش در سوریه...

مخالف یکدیگر نیز به نیابت از جانب سازماندهندگان خویش به جان یکدیگر نیز می افتند. مثلاً در لیبی تا زمانیکه تکلیف تقسیم "منصفانه" نفت این کشور میان ممالک امپریالیستی در درجه نخست اروپا معلوم نشود این گروههای تروریستی از مبارزه با یکدیگر و قتل مردم غیر نظامی دست بر نمی دارند. ایجاد یک محیط آشوب زده و ناامن از مختصات گروه های تروریستی است زیرا چنین وضعی امنیت آنها را تامین می کند.

این اوباشان آدمکش را به عنوان ارتش آزاد سوریه و "مردم انقلابی" سوریه با تبلیغات گوشخراش به صورت قاچاق و حمایت تدارکاتی امپریالیسم و ارتجاع منطقه به سوریه گسیل داشتند. این اوباشان را در اروپا در کشورهای بریتانیا؛ فرانسه؛ آلمان؛ دانمارک؛ هلند؛ سوئد و... پرورش دادند. سالها فعالیت سلفیستها که نوع پوشیده و هابیسیم است در این کشورها آزاد بود و از رهبران آنها دعوت می شد در برنامه های تلویزیونی به دفاع از نظریات خود بپردازند و از این سکوها تبلیغاتی برای جلب مشتری سوءاستفاده کنند. بیش از ۶۰ هزار نفر از آنها را به عنوان اتباع آزادخواه سوریه از طریق ترکیه و اردن برای انجام عملیات تروریستی به سوریه گسیل داشتند. این گروه ها بهترین سلاحهای جنگی؛ خودروهای حمل و نقل؛ اطلاعات ماهواره ای؛ اطلاعات جاسوسی؛ تسلط به شبکه مجازی و شرکتهای مبلغ نظریات جنایتکارانه آنها را به مدت ۸ سال در اختیار داشتند. مبالغ هنگفتی هزینه روزانه آنها بود. این جنایتکاران موزه ها را غارت کرده و آثار باستانی را به موزه های ممالک امپریالیستی فروختند تا هویت ملی مردم سوریه را نابود کنند. آنها شهر تاریخی حلب را با خاک یکسان کردند و به هر شهری که پا گذارند به روشنی نشان دادند که هدفشان ساختمان و

آبادانی نیست، تخریب و نابودی است. شهری در سوریه نیست که پای این تروریستها به آنجا رسیده باشد و از آن شهر چیزی باقی مانده باشد. آنها حتی زمان فرار و ترک شهرها خانه ها را بمبگذاری کرده و یا آتش زدند. این تروریسم علاقه ای به مردم سوریه ندارد و دلش برای نابودی ثروت آنها نمی سوزد. مردم سوریه نیز این آدمخواران را خوب شناختند و در مقابل آنها ایستادگی کردند. نقیبه های زیرزمینی آنها با بتون ساخته شده است و روشن است که این قطعات بتونی باید در کشور دیگری ساخته و با وسیله نقلیه به سوریه حمل شده باشد. باید ماشین آلات لازم برای نقب زنی در اختیار این جنایتکاران گذارده شده باشد که قادرند کیلومترها در زیر زمین به نقب زنی بپردازند. آنها را به سلاح گاز سمی و تسلیحات شیمیایی مسلح کردند تا از آن برای کشتار مردم سوریه استفاده کنند و با زور تبلیغات امپریالیستی این اقدامات را به گردن حکومت بشار اسد بیاندازند. حال این سیاست تروریستی بین المللی با شکست کامل در سوریه روبرو شده است. آمریکایی ها به صورت نیروئی متجاوز بخشی از خاک سوریه را اشغال کرده اند و هواداران و اعضاء مهم داعشی خویش را از سوریه خارج کردند تا از آنها در محلهای مناسب دیگری استفاده کنند. مرز بلوچستان ایران یکی از این مکانهاست. گردهای ناسیونال شونیست تجزیه طلب سوریه که حتی بخشی از مناطق عرب نشین سوریه را اشغال کرده اند، همدست امپریالیسم آمریکا در منطقه هستند و در همدستی با آمریکاییها از کشورهای اروپایی خواسته اند که اتباع داعشی خویش را پس بگیرند. گردهای ناسیونال شونیست مرتجع از هم اکنون وارد معامله جهانی شده و بر سر داد و ستد داعشی آهنگ آن دارند که برای خود مشروعیت کشوری ایجاد کنند. "وزیر امور خارجه" خود خوانده آنها راه مذاکره با دولت های اروپایی را باز گذارده است. ولی واقعیت این است که این جنایتکاران وارداتی به صورت غیرقانونی وارد خاک سوریه شده و به قتل و غارت مشغول بوده اند و باید در سوریه در یک دادگاه علنی محاکمه شوند. گردهای همدست امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه باید این جنایتکاران را تحویل دولت مشروع؛ قانونی و مرکزی سوریه دهند و نه اینکه خودشان مشتکی تبهکار را به یاری آمریکا در بازار مکاره سیاست به فروش بگذارند. تحویل جنایتکاران داعش به اروپا دفاع از داعش است. ایجاد امنیت برای آنها و دادن تامین به آنان محسوب می شود تا در آینده در هر جا که امپریالیستها مناسب دیدند مجدداً از آنها؛ با این تجارب فراوان استفاده کنند. در حالیکه محاکمه علنی آنها در سوریه با حضور مطبوعات و رسانه های گروهی جهان؛ دست امپریالیستها؛ سازمانها و موسسات آنها؛ دست سازمانهای جاسوسی و سیاستمداران آنها را باز خواهد کرد. دادگاههای سوریه در مورد تبهکاران داعش ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

شکست داعش در سوریه...

مشهورتر از دادگاه نورنبرگ خواهد شد. ولی همه امپریالیستها با این کار مخالفند و گردها مامور تحقق خواستهای این بانیان ترور هستند. امپریالیسم آمریکا باید خاک سوریه را ترک کند و گرنه مردم سوریه آنها را اخراج خواهند کرد. برای گردهای ناسیونال شونیست و خودفروخته سوریه راهی باقی نمی‌ماند جز اینکه خودشان در نقش داعش ظاهر شوند و به قدرتهای امپریالیستی بر ضد مردم سوریه تکیه کنند. نقشی را که تا به امروز داعش در سوریه بازی می‌کرد از فردا گردهای ناسیونال شونیست به عهده می‌گیرند. امروز به پاس مقاومت مردم سوریه و دولت بشار اسد دسیسه داعش در سوریه با شکست روبرو شده است. نابودی سوریه که جزء ممالک "شر" قرار داشت و مطابق نظر نئوکانها در آمریکا باید نابود می‌شد، با شکست روبرو شد. امپریالیسم آمریکا نتوانست وضعیت لیبی و یا عراق را در آنجا حاکم کند تا زمینه تجاوز به ایران را فراهم گرداند. حزب ما بارها گفته و تکرار می‌کند که شعار "نه غزه و نه لبنان؛ جانم فدای ایران" شعاری ارتجاعی و اسرائیلی است تا سیاست راهبردی امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه متحقق نماید. ممالک سوریه؛ لبنان؛ فلسطین عوامل بازدارنده برای تجاوز به ایران هستند و آمریکا هنوز نتوانسته است تمام شرایط مناسب برای تجاوز به ایران را فراهم آورد. سرنوشت مردم سوریه؛ لبنان و فلسطین بیکدیگر گره خورده و مانع بزرگ بر سر راه داعشی کردن منطقه و ایجاد خاورمیانه بزرگ هستند. ایرانیهای خودفروخته که از روز نخست بشار اسد را آماج حمله خویش قرار داده بودند و مدافع داعش محسوب می‌شدند، همان سیاست را با تغییر لحن در مورد نقش ایران در منطقه ادامه می‌دهند. این ایرانی‌های خود فروخته که هوادار تجاوز آمریکا به ایران هستند، نه از نقش ایران در منطقه رضایت دارند و نه از پیشرفتهای ایران در عرصه موشکی. آنها تهدیدات ترامپ و اتحادیه اروپا و شرایط آنها را نشخوار می‌کنند. حزب ما با هرگونه تجاوز به ایران و تضعیف ایران در منطقه که شرط امنیت آن بشمار می‌آید مخالف است. مضمون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که ما طلب کرده و تبلیغ می‌کنیم با مضمون سرنگونی رژیم ایران از جانب نتانیاهو و ترامپ ماهیتا متفاوت است و همین تفاوت آن مرز روشنی است که ما را از دشمنان ایرانی مردم ایران که نقاب "انقلابی" به چهره می‌زنند و خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به دست امپریالیسم و صهیونیسم هستند جدا می‌سازد. نگذاریم ایران به جولانگاه داعش و عربستان سعودی بدل شود و سرنوشت لیبی و سوریه را برایش رقم زنند. این مردم ایران هستند که باید به حساب جمهوری اسلامی برسند و نه دشمنان مردم ایران و خائنان خودفروخته ایرانی

دیدار رئیس جمهور کره شمالی...

مخالف تجزیه کره بودند. در این آتش بس بخش جنوبی کره در اشغال آمریکا باقی‌ماند و هرگز کشور مستقلی نبود و نیست. هم اکنون کره جنوبی در اشغال کامل آمریکاست و سیاستش بر اساس منافع آمریکا تعیین می‌شود. نظامیان آمریکائی سرنوشت بخش جنوبی کره را در دست دارند و با آن به قمار سیاسی مشغولند.

منافع راهبردی آمریکا

آمریکائی‌ها با حضور نظامی غیرقانونی خویش در شبه جزیره کره؛ با اخلال در امر انعقاد یک قرار داد صلح دائمی؛ دارای این منافع راهبردی هستند که در عقبگاه چین و روسیه پایگاه نظامی داشته و پیوند خویش را با امپریالیسم ژاپن که خواهان این اشغال است افزایش دهند. آمریکا مرتب در امر پیشرفت کره شمالی اخلال می‌کند و با سیاستهای صلحجویانه آنها مخالف است. آمریکا کره اشغالی را به پایگاهی برای تخریب و جاسوسی در شمال شرقی آسیا بدل کرده است.

منافع کره شمالی

کره شمالی خواهان صلح و وحدت دو کره متحد؛ مستقل و بی‌طرف می‌باشد. آنها از انعقاد قرار داد صلح دفاع می‌کنند و خواهان آن هستند که آمریکا بعد از انعقاد قرار داد صلح خاک کره را ترک گفته تا زمینه همکاری و وحدت دو کره فراهم شود. کره شمالی برای حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی ناچار شده به تسلیحات اتمی روی آورد تا بتواند در مقابل ارتش قدرتمند کره جنوبی که از حمایت بی‌دریغ آمریکا و ژاپن برخوردار است ایستادگی کند. کره شمالی به علت نداشتن منابع سوخت فسیلی و محاصره اقتصادی تنها می‌تواند از انرژی هسته‌ای برای بقاء خود استفاده کند. چنانچه کره شمالی فاقد بمب اتمی و موشکهای دوربرد می‌بود یکدقیقه نیز نمی‌توانست به صورت مستقل زندگی و تنفس نماید. مسلح بودن کره شمالی به سلاح اتمی شرط بقاء این کشور است و آنها حاضرند در صورت وحدت دو کره و یا قطع محاصره اقتصادی و تضمین تامین سوخت کره شمالی از تاسیسات هسته‌ای خود دست بکشند. ولی آنها بهیچوجه حاضر نیستند تجربه ایران را تکرار کنند.

کره جنوبی و حرکت وحدت‌طلبانه

در سالهای اخیر رژیمی در کره جنوبی برای دومین بار برسر کار آمده که هوادار وحدت با کره شمالی به صورت گام به گام است. آنها براین نظرند که این وحدت باید نخست به صورت فدراسیونی صورت پذیرد تا بتوان در آینده با هزینه کمتری شرایط لازم برای وحدت دو کره را ایجاد کرد. حکومت کنونی آقای «مون جای این» که زیاد مورد لطف آمریکا نیست، در این عرصه گامهایی برداشته است که از حمایت مردم جنوب کره برخوردار است. رژیمهای دست‌نشانده آمریکائی در قالب سلسله خاندان ژنرال پارک که به صورت ارثی و متناوب در کره جنوبی به قدرت می‌رسیدند، به قدری به فساد آغشته شدند که کارشان به دادگاه

کشید و علیرغم تمام تلاشهای آمریکا؛ موفق نشدند مجدداً به قدرت برسند. گفته می‌شود که حتی امکان برقراری نخستین دیدار ترامپ با «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی با پافشاری آقای «مون جای این» به نتیجه رسیده است. رئیس جمهور کره جنوبی نماینده امیال و احساسات مردم این کشور است. در زمان رقابتهای المپیک در کره شمالی و جنوبی؛ از تشویق و بیان احساسات آتشین مردم در استقبال از تیم مشترک شمال و جنوب روشن بود که سد آمریکا نمی‌تواند به‌طور دائم از وحدت مردم دو کره ممانعت کند.

وضعیت کنونی و تمایل به مذاکرات

آمریکا برای نابودی کره شمالی این کشور را به صورت غیرقانونی مورد تحریم اقتصادی قرار داده است. در زمان ریاست جمهوری کلینتون به آنها وعده دادند، چنانچه از نیروگاههای هسته‌ای برای تولید انرژی مورد نیازشان خودداری کنند، آمریکا حاضر است سوخت کره شمالی را از طریق ارسال نفت جبران کند. مصالحه کره شمالی در از کار انداختن نیروگاههای هسته‌ای خویش با تحقق وعده آمریکا همراه نشد و آمریکائی‌ها به زیر تعهد خود زدند. تمام تلاش آمریکا برای چهره "دیو" ساختن از رهبران کره شمالی به این منظور است که راه تجاوز و تخریب را در افکار عمومی مردم همواره تازه نگاهدارد و اشغال کره جنوبی را توجیه نماید. مذاکرات رهبران کره شمالی با آمریکا اساساً برای رفع تحریمها؛ انعقاد قرارداد صلح؛ وحدت دو کره و خروج نیروهای نظامی آشکار و پنهان آمریکا از منطقه است. آمریکا با این استراتژی، که از نفوذش می‌کاهد، موافق نیست و به همین جهت به هر وسیله‌ای در راه رسیدن به این مقصود سنگ می‌اندازد. ژاپن نیز در این مسیر متحد سرسخت آمریکاست.

اگر مذاکرات مشترک آمریکا و کره شمالی که طبیعتاً باید گام به گام و به تدریج به توافق و آنهم با تضمین منجر شود، مرتب با شکست روبرو می‌گردد، به این علت است که آمریکا حاضر نیست این تضمینها را بدهد و اجراء کند. آنوقت دیگر علتی برای توجیه حضور آمریکا در منطقه باقی نمی‌ماند.

رئیس‌جمهوری آمریکا در آستانه دیدار با رهبر کره شمالی از وجود فرصت‌های اقتصادی غیر محدودی که در روابط با کره شمالی وجود دارد، سخن راند و بیان کرد چنانچه کره شمالی برنامه تسلیحات اتمی خود را کنار بگذارد، آینده بسیار خوبی پیش رو خواهد داشت. ولی آمریکا حتی در این مذاکرات حاضر نبود از بخش مهمی از تحریمها و محاصره اقتصادی دست بکشد. فراموش نکنیم که کره شمالی حاضر نیست به همان سرنوشتی دچار شود که ایران دچار آن شد. برچیدن توان هسته‌ای کره شمالی به راحتی قابل برگشت نیست و به هزینه زیادی محتاج است، ولی آمریکا هر لحظه می‌تواند محاصره و تحریم اقتصادی را به بهانه‌های ... ادامه در صفحه ۵

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

را با آمریکا در سوریه حل کرد. سایر دول اروپای غربی که فکر می‌کردند اتباع داعشی آنها در زندانهای گوانتاناموی آمریکائی در داخل سوریه نطفه می‌شوند، از این بابت خوشحال بودند و صدایش را در نمی‌آوردند. آنها اعلام نمی‌کردند اتباع ما در اردوگاههای داعش هستند و باید برای امنیت جانی و حقوقی آنها اقدامی کنیم. همین اروپائی‌ها که از زندانی شدن فلان فرد معلوم الحال روسی اپوزیسیون در روسیه خیردارند و فوراً برایش کارزار تبلیغاتی راه می‌اندازند، در مورد زندانی بودن اتباع خود در سوریه سکوت می‌کنند و از "خدا می‌طلبند" هر چه زودتر آنها را نطفه کند. نخستین واکنش آنها نسبت به برملائی ترامپ چنین بود که ما اتباع خوب و اتباع بد داریم. اتباع بد همه مسلمان؛ دارای تبار غیر آلمانی بوده و بازگشت آنها به آلمان؛ به هلند و یا به دانمارک موجبات نگرانی و خطر برای ملت این کشورهای مشخص ایجاد کرده و میسر نیست. آنها تروریسمی که خودشان ایجاد کرده بودند و با آن به توسعه‌طلبی و دخالت در امور داخلی سوریه مشغول بودند را امروز به عنوان یک ابزار فاشیستی به کار گرفته‌اند تا اتباع خویش با تبار غیر اروپائی را انسان پست‌تر جلوه داده و مشمول حقوق بشر و حقوق شهروندی ندانند و نگردانند. در روزهای نخست این اظهار نظرها؛ مبنی بر اینکه ما باید تابعیت این افراد را باطل کنیم، گوش فلک را کر می‌کرد و نشان می‌داد که تابعیت این ممالک هرگز به مفهوم برخورداری از همه حقوق شهروندی در این کشورها نیست. چند سال پیش در آلمان پرستاری را دستگیر کردند که بیش از صد نفر را در بیمارستهای محل کارش به قتل رسانده بود، ولی وی چون "خون آلمانی" در رگهایش جاری بود در مقابل دادگاه قرار گرفت، محاکمه شد و محکوم گردید. در آن زمان کسی به مغزش هم خطور نکرد تا بگوید که باید تابعیت این جنایتکار آلمانی را باطل کرد و یا اینکه این جانی؛ آلمانی "بد" است. ولی بسیاری دولتمردان و از جمله وزیر خارجه بی‌شخصیت و سوسیال دموکرات آلمان در این عرصه بر حذف تابعیت افراد داعشی پافشاری می‌کردند. آنها زمانی با تناقض روبرو شدند که معلوم گشت در رگهای برخی از این داعشیان دستگیر شده "خون آلمانی" جاری است. آقای لِمکه و یا آقای دیرک؛ خانم کلارا؛ لئونارا و یا آلکساندرا دارای نام؛ نام خانوادگی و تابعیت آلمانی بودند و امکان نداشت، مدعی شد که آنها آلمانی نیستند و آنها را به عنوان عنصر نامطلوب و یا آلمانی "بد" در اردوگاههای داعش باقی گذارد. این برخورد طبیعتاً صرفاً نژادپرستانه محسوب می‌شد. امکان نداشت آلمانها را به "خوب" و "بد" تقسیم کرد و مانند دوران هیتلر آلمانهای "بد" را نابود نمود. صحبت بر سر تبهکاری داعش نیست که تا دیروز مورد تأیید همین نژادپرستان بود، سخن بر سر حمایت از حقوق شهروندی است که شامل همه این افراد می‌شود. اعتبار تابعیت... ادامه در صفحه ۶



سرودهای مذهبی و نشان دادن عملیات "دلاورانه" و تبلیغاتی داعش سالها رایج بود. هیچکدام از این ممالک دموکراسی‌های غربی لزومی ندیدند که جلوی نمایش این همه بیرحمی و جنایات را در شبکه مجازی؛ تا قبل از شکستشان در سوریه بگیرند، زیرا در آن موقع که هنوز امید سرنوشتی رژیم بشار اسد را در مخپله خود می‌پروراندند، به چنین تبلیغات مذهبی نیاز داشتند. امروز که این کشورهای اروپائی با "مشتهای گره" کرده برضد داعش داد سخن می‌دهند و اشک تمساح می‌ریزند، با این هدف است که سیاست شوم و جنایتکارانه خویش را در کشور مستقل سوریه کتمان کنند. بسیاری از اسرای داعش در زندانهای سوریه بهسر می‌برند و با اعترافات خود نقش ممالک غربی را افشاء کرده‌اند و اسناد کتبی و شفاهی بسیاری در اختیار دولت سوریه قرار داده‌اند. اکنون ممالک غربی باید در برخورد به داعش سیاست دیگری در پیش گیرند و در فکر تنمه "آبروی" خود باشند.

امروز عده‌ای از عوامل داعش در سوریه دستگیر شده‌اند و با خانواده‌های خویش در اردوگاههای موجود در مناطق اشغالی آمریکائی‌ها بسر می‌برند. دولت ترامپ از ممالک اروپائی خواسته است که اتباع خویش را پس بگیرند. دولت آمریکا خودش سران داعش و عوامل مطلوبش را با هواپیماهای نظامی آمریکا برای مصارف بعدی از صحنه خارج کرده است و حال باید به مزاحمت سیاهی لشکر داعش که فعلاً نیازی به وجود آنها ندارد، پایان دهد. ترامپ از اروپا خواسته که تروریستهای اروپائی را پس بگیرند. این خواست ترامپ وضعیت مضحکی در اروپا ایجاد کرده است. عده‌ای از کشورها نظیر بریتانیا تابعیت اتباع داعشی خویش را باطل کرده‌اند و به مصداق سیاست "آی دزد؛ آی دزد؛ دزد را بگیر" خود را به کوچه علی‌چپ می‌زنند که از روز نخست ضد داعش بوده‌اند. دولت فرانسه بدون سرو صدا؛ قبل از برپاشدن سر و صدا راه کمترین ضرر را انتخاب کرده و به نحوی مشکل خود

دیدار رئیس جمهور کره شمالی...

گونگون مجدداً برقرار کند و در اجرای این سیاست و برهم زدن وعده‌های خود ضرری نمی‌بیند. این نخستین بار نیست که آمریکا به دروغ متوسل شده و وعده‌های خود را به زیر پا می‌گذارد. تا لحظه‌ایکه دورنمایی برای استقرار صلح دائمی؛ خروج آمریکا از کره جنوبی وجود نداشته باشد و تضمینهای لازم و غیر قابل بازگشت برای توافق عرضه نکند، امکان برقراری صلح در شبه جزیره کره وجود نخواهد داشت. امپریالیسم آمریکا عامل مهم تخریب در این مذاکرات است و مسئولیت برهم زدن مذاکرات را بدوش می‌کشد. همین مذاکرات اخیر که از قبل تدارک دیده شده بود، بهترین گواه در این زمینه است. آمریکا در اثر فشار جهانی؛ فشار افکار مردم کره جنوبی و دولت کره جنوبی و تحولات درون آمریکا برضد ترامپ؛ به این مذاکرات برای انحراف افکار عمومی نیاز داشته و به آن تن در داد، ولی این اقدامات صرفاً تاکتیکی و مائوری موقتی بود تا بتواند محاصره اقتصادی را ادامه دهد و حضور خود را در کره جنوبی توجیه کند و منتظر شود تا آنها از آسیب بیابند. امید زیادی نباید در شرایط عادی به موفقیت اینگونه مذاکرات داشت. صرفنظر از این خرابکاری آمریکائی‌ها؛ نفس برقراری مذاکره؛ پیروزی دیپلماتیک برای کره شمالی است و اسلحه‌های توهین و دروغ آمریکا را برای توجیه خرابکاری‌هایش نسبت به کره شمالی خنثی می‌کند. باید به ایجاد جنبش توده‌ای در جنوب کره برای اخراج آمریکا و وحدت دموکراتیک و مستقل دو کره تکیه کرد. این بهترین راه کوبیدن موانع وحدت است.

با تروریسم نمی‌شود...

داشت. طرز کار آنها در زیر نظارت سازمانهای جاسوسی این بود که جوانان را با خرافات مذهبی و دادن هویت اسلامی به آنها شستشوی مغزی داده و به صورت "قانونی" از مرز ممالک اروپائی رد کنند. سازمان امنیت ترکیه در فرودگاههای ترکیه آنها را تحویل گرفته و با عبور از خاک ترکیه به سوریه وارد می‌کرد. تمام مشخصات این تروریستها روشن و در دفتر اطلاعات سازمانهای جاسوسی و شرکت‌های هوانی چه در اروپا و چه در ترکیه ثبت است. حتی دختران و پسران صغیر بدون دارا بودن سرپرست با نظارت مرزبانان اروپائی از مرزهای بریتانیا؛ فرانسه؛ آلمان؛ دانمارک؛ هلند؛ سوئد ... می‌گذشتند و خود را به ترکیه می‌رسانند. در فرودگاههای ترکیه نام همه این تروریستها ثبت می‌شد. پس به این دروغ ممالک دموکراسی‌های غربی باور نکنیم که گویا غافلگیر شده و از گسیل تروریستهای داعشی به سوریه بی‌خبر بوده و از نام و نشان آنها خبر ندارند. در شبکه‌های مجازی ویدئوهای تیرباران و سربریدنهای اسراء و سردادن

با تروریسم نمی‌شود...

به "خوب" و "بد" بودن انسانها نیست. یک تعریف حقوقی؛ سیاسی؛ تاریخی برای اداره کشور و حفظ امنیت جانی و مالی احاد افراد مملکت است. دخالت دادن عوامل مذهبی؛ ایدئولوژیک؛ سیاسی و مشابهات آن در تداوم تابعیت؛ شیرازه یک کشور را برهم می‌ریزد. وقتی در قانون اساسی گفته می‌شود کرامت انسانی خدشه‌بردار نیست یک اصل کلی و اصولی بیان می‌شود که همه انسانها را در برمی‌گیرد. حتی رژیم جمهوری اسلامی که در آغاز حکومتش در نظر داشت تابعیت مخالفان سیاسی را باطل کند، از این سیاست تبهکارانه روی‌برداشت.

وظیفه نیروهای دموکرات این است که از این اصل دفاع کنند و مانع شوند که در شرایط بحرانی؛ تابعیت خارجی را که ده‌ها سال در این کشورها زندگی کرده‌اند، از امروز به فردا با استدلال‌ات ساختگی و یا حتی غیرساختگی باطل اعلام نمایند. ممالک غربی اروپای "دموکرات" و "بشردوست" نشان دادند که برخوردشان به اتباع غیر آلمانی؛ غیر دانمارکی؛ غیر بلژیکی؛ غیر هلندی؛ غیر بریتانیایی؛ غیر ایتالیایی و... صرفاً نژادپرستانه است. موضع‌گیریهای ارتجاعی آنها موجی از نگرانی و عدم امنیت در میان اتباع "درجه دوم" این کشورها ایجاد می‌کند که می‌بینند سرنوشت خود و فرزندانشان در بحرانهای واقعی جهانی و یا در شرایط ایجاد فضاهای کاذب و مسموم توسط حکام وقت؛ به موئی وصل است. کشورهایی که با تروریسم بازی کردند و داعش را در دامان خود پروراندند، خود امروز آماج ضربات تروریسم قرار گرفته‌اند. کسانی که جوانان کشور خویش را با تعلیمات و تبلیغات؛ آموزش تروریستی دادند و به سوریه گسیل داشتند، حال باید آنها را به استناد همان قوانینی که دارند، پس بگیرند و به خانه خودشان بازگردانند. امپریالیستها آن روزی که چهچه مستانه می‌زدند یادشان نبود که سرمای سخت زمستان هم در راه است. مبارزه امروز آنها علیه داعش مبارزه‌ای علیه همه خارجیان و اتباع دو تابعیتی خویش؛ برای "پاکسازی" جوامع خودشان است. این مبارزه آنها ماهیتاً یک مبارزه داعشی و نژادپرستانه است. آنها اتباع دو تابعیتی را تهدید می‌کنند، ولی باز هم میان دو تابعیتی‌های دانمارکی و عرب؛ آلمانی و ترک؛ هلندی و ایرانی با تابعیت استرالیایی و آمریکایی فرق می‌گذارند. کسانی که پناهجویان آسیایی و آفریقایی را تنها به علت یک خطا به کشورشان باز می‌گردانند، خودشان حاضر نیستند خطاکاران خویش را پس بگیرند. تکرار این تناقضات مکرر برای آن است که چشم ایرانیانی که مجذوب "دموکراسی ناب" و امنیت و آزادی غیرطبیعی شده‌اند، باز شود و بدانند که در جای این محور مختصات ایستاده‌اند.

گسترش سلاح‌های هسته‌ای ...

بدل شوند که در واقع نقض قرارداد (INF) است. امپریالیسم آمریکا از این شگرد تبلیغاتی برای تسلیح عربستان سعودی؛ امارات متحده عربی و اسرائیل استفاده

می‌کند. این روش عوام‌فریبانه و ضد بشری که موزیانه به جنبه "دفاعی" تکیه می‌کند، تنها برای مصرف افکار عمومی است، تا میداد تصور کنند امپریالیسم آمریکا متجاوز؛ جنگ طلب و جنایتکار است.

از قدیم گفته‌اند «جواب‌های هوی» می‌باشد. چگونه است که استقرار موشک‌های میان‌برد امریکائی در لهستان و رومانی نقض (INF) بشمار نمی‌رود، ولی موشک‌های SSC-8 روسی نقض کامل پیمان مذکور به شمار می‌آید و منجر به تصمیم آمریکا مبنی بر خروج از (INF) می‌گردد؟! آقای «گرینل» Richard Grenell؛ سفیر وقیح و نخود هر آش ایالات متحده آمریکا در برلن؛ از آلمان به خاطر عدم پرداخت بودجه کافی برای ناتو شدیداً انتقاد می‌کند و هشدار می‌دهد که: «روسیه پشت در منزل شما کمین کرده است!» اما در این رابطه آقای «لؤهر هنکن» Lühr Henken یکی از محققین برجسته صلح، معتقد است که:

«قدرت‌های غربی به نادرستی روسیه را متهم می‌سازند که قصد تجاوز به اروپای غربی و کشورهای بالتیک را در سر می‌پرورانند» و اضافه می‌کند که:

«این ادعا به هیچوجه نمی‌تواند صحت داشته باشد، زیرا که در زمینه سلاح‌های متعارف؛ روسیه به مراتب از ناتو ضعیف‌تر است و نمی‌تواند چنین رویائی را در سر بپروراند. مجموعه سلاح‌های متعارف ناتو نزدیک به ۳ برابر سلاح‌های روسیه است. قصد تجاوز به کشورهای غربی و یا بالتیک از جانب روسیه تنها می‌تواند خودکشی محسوب شود».

در سال ۲۰۱۸ آمریکا ۱۰ برابر روسیه هزینه زرادخانه‌های نظامی‌اش بوده است. «موسسه تحقیقات استراتژیک» IISS در گزارش سالانه‌اش کل بودجه نظامی آمریکا را در ۲۰۱۸ برابر با ۶۴۳،۳ میلیارد دلار ذکر کرده که به مراتب بیش از دو کشور چین و عربستان سعودی است، که به ترتیب ۱۶۸،۳ میلیارد و ۸۲،۹ میلیارد دلار هزینه نظامی داشته‌اند. مسکو اما با ۶۳،۱ میلیارد دلار در واقع یک دهم بودجه نظامی آمریکا را به بودجه نظامی اختصاص داده است. علاوه بر این سایر کشورهای ناتو نیز در مجموع ۲۶۴ میلیارد دلار خرج زرادخانه‌های خود کرده‌اند. میلیتاریست‌های قهار اروپائی نظیر "ینس استو لتنبرگ"؛ دبیرکل ناتو و روتگن Röttgen،

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



PLI (Comfem)

رئیس کمیسیون خارجی مجلس آلمان معتقدند که:

«در حال حاضر روز به روز تعداد موشک‌های میان‌برد روسی در اروپا افزایش می‌یابد. لذا ناتو درصدد است که اقدامات پیشگیرانه انجام دهد».

ترجمه دقیق اظهارات اشتولتنبرگ این است که آمریکا باید در اروپا موشک‌های میان‌برد هسته‌ای مستقر کند! در نتیجه خروج آمریکا از (INF) به طور قطع یک رقابت تسلیحاتی اتمی در اروپا را در پی خواهد داشت، که می‌تواند پی‌آمدهای بس خطرناکی برای مردم اروپا دربرداشته باشد.

از طرف دیگر «سیرگی ریابکف» معاون لاوروف؛ وزیر امور خارجه روسیه؛ تهدید کرده است که خروج آمریکا از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد، قطعاً اقدامات مقتضی نظامی روسیه را به دنبال خواهد داشت. همانگونه که موشک‌های میان‌برد آمریکائی در رومانی و لهستان به سمت روسیه مستقر شده‌اند، روسیه نیز موشک‌های خود را به سمت اروپا مستقر خواهد کرد. به گمان حزب ما این افزایش و گسترش تسلیحاتی، حتی یک گام فراتر از جنگ سرد است و جهان را به سمت جنگ جهانی سوم سوق می‌دهد. هدف از رقابت تسلیحاتی غرب با روسیه شکستن توان اقتصادی این کشور؛ تجاوز به آن و تقسیم روسیه است که وسیع‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود. سرزمینهای حاصلخیز و پهناور؛ منابع اولیه سرشار اشتهای امپریالیسم غرب بویژه آمریکا را باز کرده است.

آمریکا گرچه موشک‌های دوربرد روسیه را بهانه‌ای برای خروج از پیمان (INF) ذکر کرده است، اما دلیل مهم دیگری که موجب اتخاذ این تصمیم از جانب آنها شده، این است که چین هیچ‌گونه تعهدی برای عدم تکامل و گسترش موشک‌های هسته‌ای میان‌برد ندارد و لذا با حضور گسترده اقتصادی؛ سیاسی و نظامی در جهان؛ عملاً قادر است که تسلیحات خود را در این زمینه گسترش دهد. از اینرو امپریالیسم آمریکا برای آنکه بتواند چین را نیز مهار کند، مایل نیست که پایبند پیمان (INF) باشد و از این طریق دست و بال خود را در عرصه تولید موشک‌های هسته‌ای به بندد. در دورانی که پیمان (INF) میان دو ابرقدرت شوروی و آمریکا منعقد... ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند.

گسترش سلاح‌های هسته‌ای...

گشت، چین قدرتی به شمار نمی‌آید. ولی اکنون این کشور به چنان قدرتی تبدیل شده است که حتی قادر است ماهواره روانه کره ماه کند و موشک‌های قاره پیما به‌سازد که قادرند آمریکا را نیز هدف قرار دهند. از اینرو آمریکا امروز مجبور است که عامل چین را هم در محاسبات خود به‌گنجد. به همین دلیل ترامپ در سخنان ۲۶ ژانویه سال جاری خود «شرط عدم خروج» آمریکا از پیمان (INF) را با تبختری خاص چنین بیان کرد:

«مگر آنکه روسیه و چین پیش ما بیایند و بگویند که ما این نوع سلاح‌ها را توسعه نمی‌دهیم!!».

تا آمریکا بتواند با خیال راحت در خفا به تولید و تکامل سلاح‌های هسته‌ای خود ادامه دهد. گرچه امپریالیسم آمریکا سال‌هاست که موشک‌های هسته‌ای خود را علی‌رغم وجود پیمان (INF) دنبال می‌کند، اکنون با طرح مسأله خروج از پیمان مذکور احتمالاً قصد امتیازگیری از روسیه و چین برای محدودکردن فعالیت‌های موشکی آنها و نیز رفع محدودیت‌ها از برنامه موشکی آمریکا را در سر می‌پرورانند. دیگر اینکه کشورهای فرانسه و انگلستان نیز؛ گرچه هم‌پیمان آمریکا در ناتو هستند، ولی امضای آنها زیر پیمان (INF) نیست، که این امر نیز قطعاً در محاسبات آمریکا مبنی بر خروج از (INF) نقش ایفا کرده است. تهدید خروج امپریالیسم آمریکا از قرارداد (INF) بیانگر تمایلات میلیتاریستی و جنگ‌طلبی آمریکاست. وگرنه همانگونه که قرارداد به نسبت موفقیت‌آمیز (INF) توأم با بازرسی متقابل به ثمر رسید، اکنون نیز امکان نجات آن از طریق مذاکره می‌توانست وجود داشته باشد و نه اینکه با اتخاذ تصمیم یکجانبه پیمان را نقض کرد. ایجاد سامانه موشک‌های ۵ «ماخ» در رومانی و لهستان توسط امپریالیسم آمریکا، آزمایش موشک‌های بالستیک در آمریکا و وجود هواپیماهای بدون سرنشین در این کشور و ... نشانه‌های بارز نقض پیمان موشکی و دنبال‌کردن سیاست جنگی آنها به شمار می‌رود. امپریالیسم آمریکا با حرکت از سیاست هژمونی‌طلبانه و میلیتاریستی‌اش سال‌هاست که در پی تکامل سلاح‌های هسته‌ای و تهاجمی است که البته از دید هیچ‌گونه تضادی هم با پیمان (INF) نداشته و ندارد و آنرا به هیچ‌وجه نقض نکرده و نمی‌کند!! بنابر این

شکی نیست که تصمیم اخیر ترامپ مبنی بر خروج از پیمان (INF) دقیقاً در خدمت استراتژی گسترش سلاح‌های تهاجمی است و بس!

خروج آمریکا از پیمان (INF) به معنی بازگشت به جنگ سرد و به‌کارانداختن ماشین تولید سلاح‌های هسته‌ای به بهانه تهدید روسیه است، که بدون تردید روسیه نیز با توسل به «عمل مقابل به مثل» جهان را بیش از پیش با وقوع جنگ جهانی سوم مواجه خواهند ساخت. دیر یا زود آمریکا، ناتو را نیز به پیروی از مشی اتمی خود؛ مجبور خواهد ساخت که در کشورهایی نظیر آلمان؛ هلند؛ بلژیک؛ لهستان؛ رومانی و ... به بهانه تضمین امنیت مردم این کشورها!! موشک‌هایی با کلاهک هسته‌ای مستقر کند، که این امر بدون تردید نه تنها امنیت را تضمین نمی‌کند، بلکه برعکس آنرا شدیداً به خطر خواهد انداخت. طبیعی است که سیاست میلیتاریستی گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌بایست در خدمت تثبیت و گسترش سلطه و هژمونی امپریالیسم آمریکا باشد. در این راستا نه تنها کشورهای عضو ناتو به سرکردگی آمریکا می‌توانند از «موهبت» موشک‌های دارای کلاهک هسته‌ای برخوردار باشند، نه تنها اسرائیل سال‌هاست که دارای صدها کلاهک هسته‌ای است، بلکه حتی قرار است که عربستان سعودی هم به این سلاح مجهز شود.

جالب اینجاست: ایران که سال‌هاست تحت نظارت و کنترل «ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی» است و جهانیان نیز به خوبی می‌دانند که این کشور - حتی به شهادت ۱۶ سازمان امنیتی آمریکا از جمله سازمان سیا - از سال ۲۰۰۳ دیگر سیاست سلاح هسته‌ای را دنبال نمی‌کند و حتی هوشنگ ظریف وزیر امور خارجه‌اش؛ در مورد برنامه موشک‌های بالستیک ایران اخیراً علناً اعلام کرده است که این موشک‌ها فاقد خاصیت حمل کلاهک هسته‌ای هستند و باز هم متهم به ساختن سلاح هسته‌ای می‌شود.

افزایش زرادخانه‌های جنگی از جانب امپریالیست‌ها هیچگاه به منظور حفظ صلح و امنیت نبوده و همانطور که تجارب جنگ‌های جهانی اول و دوم به ما می‌آموزند، جز کشتار و ویرانی ثمری به بار نخواهند آورد. خانم مرکل، صدراعظم آلمان در ۱۲ ژوئیه سال گذشته هم‌صدا با سران اروپا؛ قرارداد (INF) را برای تأمین امنیت اروپا حیاتی می‌پنداشت و

اعلام کرد که «ما خود را موظف می‌دانیم که این پیمان را حفظ کنیم». اما امروز خروج یکجانبه آمریکا از این پیمان را «ناگزیر» ارزیابی می‌کند!

اگر این موضع‌گیری نشانه ورشکستگی اروپا و سران قدرتمند آن در زمینه سیاست خارجی و امنیت داخلی نیست، پس چیست؟

برای مقابله با سیاست افزایش تسلیحات و خطر جنگ جهانی؛ کمونیستها باید به ایجاد و تقویت جنبش صلح و ضد جنگ؛ جنبش احترام به حقوق ملل و مبارزه با دخالت در امور داخلی کشورها بپردازند. کسانی که عریده تجاوز امپریالیسم آمریکا به ایران را می‌کشند و خواهان نقض حقوق ملل و حقوق بشرند در خدمت همین سیاست جنگ‌طلبانه امپریالیسم آمریکا گام می‌گذارند. محاصره تبهکارانه و غیرقانونی ایران در زمینه اقتصادی و مالی جزئی از همین سیاست جنگ طلبانه امپریالیستی است و نوکران امپریالیسم آمریکا در میان اپوزیسیون ایران از این جنگ‌طلبی و زورگویی امپریالیسم آمریکا دفاع می‌کنند. روشن است که نمی‌شود سیاست اپورتونیستی یک بام و دو هوا را اجراء کرد. افزایش تسلیحات نظامی؛ نقض پیمانهای تسلیحاتی؛ محاصره غیرقانونی کشورها؛ نقض حقوق ملل و حمایت از تروریسم در لیبی؛ سوریه و سایر کشورها؛ سیاست "رژیم چنج" در جهان و تحقیر نقش توده‌ها؛ دیکته اوامر آمریکا در نظم کنونی جهان؛ حمایت از جنایات عربستان سعودی و اسرائیل و ... همه و همه از یک تفکر و یک سیاست منشاء می‌گیرند. مبارزه برای صلح و آسایش ملتها بخش جدا ناپذیر از مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و اقدامات توسعه‌طلبانه؛ تجاوزکارانه؛ غیرقانونی و زورگویانه آنها می‌باشد. باید جنبش ضد جنگ را تقویت نمود.

به توفان در تلگرام خوش آمدید

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۵۳ فروردین ماه ۱۳۹۸ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
 سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در توئیتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک
 توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛ پیامد خروج از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد (ای.ان.اف)

۲۰ اکتبر ۲۰۱۹ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تهدید کرد: «از آنجا که روسیه به پیمان منع تولید آزمایش موشک‌های هسته‌ای میان‌برد (INF) (Intermediate Range Nuclear Forces) متعهد نبوده است، بنابراین آمریکا از این پیمان خارج خواهد شد»

و چهار ماه بعد در یکم فوریه ۲۰۱۹ به این تهدید جامه عمل پوشانید و خروج آمریکا از پیمان (INF) را رسماً اعلام کرد و اضافه نمود که این تصمیم تا ۶ ماه دیگر لازم‌الاجراست. یکروز بعد متعاقباً پوتین؛ رئیس‌جمهور روسیه؛ در اقدامی تلافی‌جویانه عضویت روسیه در پیمان مذکور را ملغی اعلام نمود.

(INF) پیمانی است که در سال ۱۹۸۷ میان رونالد ریگان؛ رئیس‌جمهور وقت آمریکا و میخائیل گورباچف؛ دبیر کل آن زمان حزب «کمونیست» اتحاد جماهیر شوروی به امضا رسید. پیمان مذکور این دو کشور را از آزمایشات موشکی و استقرار موشک‌های بالستیک و کروز زمین‌پایه، که برد آنها میان ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر باشد، نه تنها در این دو کشور، بلکه در سرتاسر جهان منع می‌کرد. پس از عقد این پیمان؛ آمریکا ۸۴۶ و شوروی ۱۸۴۶ موشک از نوع یادشده را از رده خارج کردند. مجموعه کشورهای اروپائی نیز از انعقاد این پیمان استقبال کرده و آنرا به فال نیک گرفتند. همانگونه که در بالا اشاره رفت، در پیمان مذکور صرفاً موشک‌هایی که بر خشکی مستقر شده‌اند، مورد نظر بود و دو ابر قدرت آگاهانه دست خود را برای استقرار چنین موشک‌هایی در دریا بر روی ناوهای نظامی بازگذاشتند.

ادعای نقض (INF) را برای نخستین بار ۵ سال پیش اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا؛ مطرح کرد. در اواسط سال ۲۰۱۴ مقامات آمریکائی برای اولین بار ادعا کردند که روسیه پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای را نقض کرده است. پایه استدلال و اشنگتن تولید موشک‌هایی با بُرد ۲۰۰۰ کیلومتر توسط روسیه بود، که در روسیه به 9M729 و در ناتو به SSC-8 مشهور است. لازم به ذکر است که این موشک‌ها از نوع موشک‌های «کروز» هستند. در نشریه «نشنال اینترست»، یکی از مقامات شورای امنیت ملی آمریکا شخصی به نام «کریستوفر فورد» در نوامبر ۲۰۱۷ علناً بیان داشت که علت اینکه آمریکا باور دارد که روسیه پیمان (INF) را نقض کرده است، همان تولید 9M729 و یا SSC-8 است.

به گزارش اسپوتنیک؛ امروز جدیدترین موشک مافوق صوت روسی «آوانگارد»، که سرعت آن ۲۰ برابر بیش از عدد «ماخ» (نسبت سرعت شبئی در یک سیال به سرعت صوت در همان سیال است) می‌باشد، نیز تولید گشته است.

کارشناسان سلاح‌های فضائی روسیه در این رابطه اظهار داشته‌اند که «ساخت موشک مافوق صوت «آوانگارد» روسیه در واقع پاسخی به سیستم موشک‌های AEGIS آمریکائی مستقر در لهستان و رومانی است که سرعت آن ۵ برابر عدد «ماخ» است و از سال ۲۰۱۲ در این دو کشور مستقر گشته‌اند. امپریالیسم آمریکا به دروغ مدعی بود که استقرار موشک‌های در لهستان و یا رومانی واکنشی در برابر ساختن موشک‌های ایران بوده و صرفاً جنبه «دفاعی» دارند و به این وسیله می‌خواست جبهه‌ای از آمریکا و روسیه علیه صنایع موشکی ایران ایجاد کند که دسیسه‌اش مورد توجه روسها قرار نگرفت. روسها به درستی بیان کردند که این پایگاه‌های موشکی «دفاعی» آمریکائی علیه ایران؛ فوراً می‌توانند به سکوی پرتاب موشک‌های میان‌برد برای تجاوز به روسیه ... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party of Labour of Iran

No. 229 avr. 2019

با تروریسم نمی‌شود بازی کرد

در استراتژی آمریکا در برخورد به سیاست خاورمیانه بزرگ؛ سیاست نابودی کشور عراق؛ سوریه؛ تجزیه ایران؛ ایجاد کردستان بزرگ اسرائیلی؛ حذف اردن و... وجود داشت و هنوز هم دارد. از زمان کلینتون به‌تدریج در این زمینه اقدامات مطلوب آمریکا صورت گرفت. جرج بوش پسر این سیاست را اجرائی کرد و ممالکی نظیر ایران؛ کره شمالی؛ سوریه و لیبی را محور "شر" خواند و کمر به نابودی آنها بست و انجام انقلابات مخملی را با صدور تروریسم به این کشورها تکمیل نمود. هزاران نفر داعشی و هابیسیت از طریق سازمانهای سلفیستی در اروپا؛ در زیر نظر سازمانهای جاسوسی ممالک اروپائی و زیر نظر این سازمانهای امنیتی با همکاری دول ترکیه؛ عربستان سعودی و قطر راهی سوریه شدند. ترکیه که خود مرکز جمعیتی از تروریستهای داعشی چچن بود، همه آنها را مسلح نموده به سوریه اعزام

...ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس مکاتبات
Toufan
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند